

نشریه دانشجویان مواد و سازمان چریکیهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور

سال ششم دی - بهمن ۶۵ ژانویه - فوریه ۸۷ شماره ۴۹



اگر بهمن آیین خود را پاس دارد ...

سیاهگل ، بهمن ۴۹

قیام ، بهمن ۵۲

....



یادواره به خون تییدگان



صدای فدائی

برای تماس با

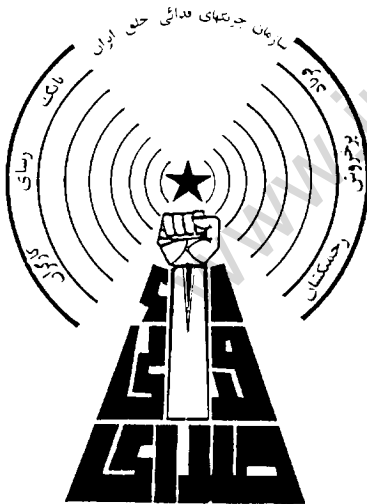
با نشانی زیر مگاتبه کنید:

A.C.A.

B.P. 43

94120 Fontenay-sous-Bois

France.



رادیو سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

همه روزه ساعات

۶/۵ بامداد، و ۱۲/۵ و ۸/۵ بعد از ظهر

در این شماره

۴ ■ بازتاب بر ملاشدن روابط پنهانی رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا

۷ ■ اخبار ایران

۱۱ ■ اخبار جهان

۲۰ ■ اخبار جنبش دانشجویی

۲۱ ■ ۴۵ سال خیانت به طبقه کارگر و زحمتکشان بر حزب ضدتوده مبارک باد!

۲۲ ■ نزدیکی اتحادیه میهنی کردستان عراق با رژیم جمهوری اسلامی

۲۶ ■ رژیمیم در پوشش "انتقاد از خود"

۳۱ ■ نقش جهان بینی مذهبی مجاهدین



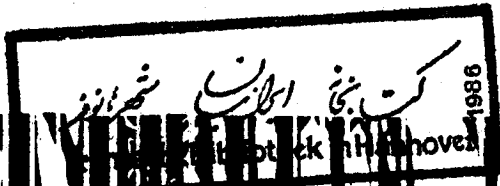
۴۲ ■ ادبیات بالنده: خجسته

۴۵ ■ فرهنگ فشرده واژه های روز



۴۸ ■ از خوانندگان

ادامبی مقالی 'دنباله ای بر شاعر بوجن، شاعر شدن' در شمارهی بعدی جهان چاپ میشود.



خلق

انقلاب

ماه آرمان و

ماه بهمن، سرخترین

«سعید سلطانپور»

برگرفته از: «کار» ۹۶

ماه بهمن، خونین ترین و

شکوهمندترین ماه در تاریخ
جنبش انقلابی خلقهای ستمدیده
و پیشگامان سرخ و رزمندی
آن است. هر روز بهمن، در
تقویم مبارزات خلق برگه‌ی ست
خونین که چون سپیده دمان
گلگون رهایی و آزادی
می‌درخشد.

دست عاشقان خلق چون
برگ برگ ماه بهمن را در
تقویم سرخ مبارزات ورق
می‌زند، یکپارچه آتش انقلاب
می‌شود.

قلب عاشقان خلق در موج
موج، موج خون شهیدان بهمن
شعله می‌کشد و با رودخانه‌ی
آتش و شقایقی که از خون
شهیدان بهمن بر بستر زمستانی
سالمای چها، و نه تا پنجاه و
هفت، موج می‌زند، جاودانه
می‌خروشد.

چشم عاشقان خلق، انبوه
شهیدان را بر قلعه‌های
برف‌آلود بهمن ماه می‌بیند که
با آهنگ ترانه‌های خلق، چگونه
در کارگاه فردا، آفتاب رهایی
و آزادی زحمتکشان را با تار
و بود خون می‌پافند.

در بهمن ماه سال چها، و
نه رزمندگان فدایی، در قلب
خفقان رزم نوینی پی افکندند

و طومار خیانت‌های تاریخی را
با خروش خون درهم پیچیدند
و سیلی خون بر چهره فراریان
و سازشکاران و صبر و انتظار
پیشگان فرو کوفتند.

حماسه‌ی سیاه‌کا، این
رستاخیز خون و خروش
رزمندگان فدایی، در سالهای
تاریک دیکتاتوری آتش‌آسیا،
و خاموشی ناپذیر، مبارزه‌ی
انقلابی را در خاکستر سنگین
دهم‌های خاموشی و ترس، شعله‌ور

کرد و خون خفته و خستنی
ستمدیدگان را در رگهای
ایمان و امید به گردش
درآورد و یک دهه، یک دهی
خونبار که در آن بذر
مبارزه‌ی انقلابی شکفت و بالا
گرفت، نام فدایی بر تارک
میهن می‌درخشید. سازمان

چریک‌های فدایی خلق ریشه در
خون بست و شکاف گرفت و
در هوای خفقانی سرکوب نظام
واپستنی پهلوی از بالندگی باز
نماید چندان که سرانجام شاخ
و برگ آتشینش در جنبش
انقلابی خلق از سرخ‌ترین
شکوفه‌های انقلاب سرشار شد
و در قیام خونین خلق سرخ
ترین ثمر انقلابی رزم مسلحانه‌ی

خلق را چون آتش انتقام بر
پادگانهای ضد خلق فرو
بارید: فدایی در اوج قیام
مظهر اراده‌ی انقلابی خلق بود
و در جریان قیام خونین خلق
خون فدایی: خون
احمدزاده‌ها، پویان‌ها،
جزئی‌ها، مومنی‌ها، حمید
اشرف‌ها، ساحی‌ها،... در
خون سیادت‌ها جوشید و با
خون خلق گره خورد و آتش
هنگامه‌ای تازه در ارکان ارتش
ضد خلقی و پادگانهای
سرکوبگرش افکند.

بهمن ماه، ماه خون و
مبارزه است. ماه حماسه و
شهادت است. ماه آتش و
فریاد است. ماه خروش سرخ
سیاه‌کا، ماه توفان خونین قیام
است. بهمن ماه توفانی‌ترین
ماه عزم مسلحانه‌ی خلق و سرخ
ترین ماه رزم مسلحانه‌ی
فداییان خلق است. بهمن
ماه، ماه سلاح برگرفتن
توده‌هاست. ماه آتش قدرت
خلق از دهانه‌ی مسلسل‌هاست.
ماه انفجار نارنجک و شلیک
گلولی فداییان خلق

است. بهمن ماه سرتاغاز پیروزی
خلق و سرتاغاز شکست ضد
خلق است. بهمن ماه، ماه
آتش‌فشانهاست. نوید قیام
مسلحانه‌ی خلق در بهمن ماه
پنجاه و هفت با خون بر
تارک رستاخیز مسلحانه‌ی
سیاه‌کا، نقش بسته است.

اکنون به گرامی‌داشت
بهمن ماه چها، و نه و پنجاه و
هفت، ماه خلق، ماه فرزندان
دلاور خلق و رزمندگان
پیشگامش، نام شهیدان بهمن را
بخوانیم و شورمندتر به
پاسداشت آرمان شهیدان راه
زحمتکشان برخیزیم و آتش
مبارزه‌ی طبقاتی را شعله‌ورتر
کنیم. در خط خون شهیدان
پیش رویم و تا تحقق آرمان
شهیدان از پای ننشینیم. و در
راه سرخ کارگران چنان
شکوهمند و پرطنین گام
برداریم که از هم‌اکنون
کوردها و فرصت‌طلبان و
خائنان تازه‌کار و کهنه‌کار در
خط سازش از هراس مبارزه‌ی
طبقاتی به لرزه درآیند! ■



بازتاب برملاشدن روابط پنهانی

رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا

ماجرای روابط پنهانی رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا، در هفته‌های گذشته همچنان در صدر اخبار و گزارشهای جهانی قرار داشته است. سران فریبکار رژیم، گرچه مجبور شده‌اند به برخی از جنبه‌های این رسوایی بزرگ اعتراف کنند، ولی هنوز وقیحانه اعلام می‌دارند که در این ماجرا به 'پیروزی' بزرگی دست یافته‌اند. از سوی دیگر، مردم آمریکا همچنان گیج و مبهوت‌اند و از ریگان می‌خواهند حقایق بیشتری را در مورد این مساله بیان دارد.

مطبوعات آمریکا این ماجرا را با رسوایی بزرگ 'واتر گیت'، در زمان ریاست جمهوری نیکسون، مقایسه می‌کنند و از آن به عنوان 'ایران گیت' نام می‌برند. ولی در عین حال تلاشهای فراوانی در آمریکا در جریان است تا به گونه‌ای سر و ته قضیه به هم آورده شود و ماجرا فیصله پیدا کند. ولی از شواهد امر چنین پیداست که مساله به این زودبیا خاتمه نمی‌یابد. البته لازم به یادآوری است که تمام سیاستمداران آمریکا و از جمله رهبران حزب دموکرات از اینکه ریگان اقدام به برقراری روابط پنهانی با رژیم جمهوری اسلامی کرده است، با او کاملاً موافقت و او را از این جهت ستایش می‌کنند. حتی برخی این اقدام ریگان را با اقدام نیکسون در اوایل دهه گذشته و فرستادن پنهانی کیسینجر به چین مقایسه می‌کنند و معتقدند که برقراری رابطه با ایران می‌تواند به اندازی برقراری رابطه با چین برای منافع آمریکا مفید باشد.

بنابراین از آنجا که مخالفان ریگان با اصل قضیه - یعنی برقراری رابطه با جمهوری اسلامی - موافقت تاکئین او را آن طور که باید تحت فشار

نگذاشته‌اند. از سوی دیگر رهبران حزب دموکرات گرچه تلاش می‌کنند تا رئیس جمهور آمریکا از میان حزب خودشان انتخاب شود، ولی به هیچ وجه نمی‌خواهند که از اعتبار ریاست جمهوری کاسته شود. زیرا آنان به خوبی آگاهند که این مساله ممکن است کل نظام دموکراسی پارلمانی را با خطر مواجه سازد. به ویژه آن که در انتخابات اخیر برای مجلس سنا و کنگره آمریکا درصد کسانی که در رای دادن شرکت کرده بودند به طور بی‌سابقه‌ای کاهش یافته بود و به حدود سی درصد می‌رسید. بنابراین اگر، پس از رسوایی نیکسون و استعفای او، به اعتبار ریاست جمهوری آمریکا باز هم ضربه وارد شود، ممکن است درصد کسانی که بازی انتخابات بورژوازی را جدی می‌گیرند، شدیداً کاهش یابد و این برای دموکراسی بورژوازی واقعاً یک فاجعه خواهد بود. البته از نکات فوق نباید نتیجه گرفت که وضعیت ریگان کاملاً امن است. نظام امپریالیستی آمریکا اگر لازم ببیند، او را نیز به راحتی فدا خواهد کرد.

☆☆☆

ماجرای روابط پنهانی آمریکا با ایران یک مسالعی بسیار مهم را برای هزارمین بار افشا کرد و آن پوشیدگی نظام دموکراسی بورژوازی است. این ماجرا به خوبی نشان می‌دهد که نظامهای به اصطلاح دموکراتیک در کشورهای سرمایه‌داری کاملاً بر فریب و نیرنگ بنا شده‌اند. ریگان، رئیس جمهور آمریکا، از یک سو رسماً اعلام می‌کند که با رژیم جمهوری اسلامی هیچ گونه رابطه‌ای ندارد و در جنگ ایران و عراق موضع بیطرفانه دارد، ولی از سوی دیگر به طور پنهانی با

سران رژیم وارد مذاکره می‌شود و همچنین تسلیحات جنگی در اختیار آنان می‌گذارد. با اینکه پس از رو شدن این روابط پنهانی، ریگان ریاکارانه اعلام می‌کند که از جزئیات قضیه باخبر نبوده است و برای خلصی خود برخی از نزدیکترین همکارانش را از کار برکنار می‌کند و کمیسیونهای به اصطلاح تحقیق تشکیل می‌دهد.

این ماجرا همچنین نشان داد که سران کشورهای امپریالیستی حتی به چارچوب دموکراسی بورژوازی خود نیز پای بند نیستند و پیوسته مجبورند این چارچوبها را نیز بدرند. ریگان، پس از برملا شدن روابط پنهانش با سران رژیم جمهوری اسلامی، برای فریب دادن افکار عمومی آمریکا اعلام کرد که هدفش ایجاد رابطه با عناصر 'میانرو' در ایران بوده است و سلاحهای آمریکایی نیز برای همین عناصر ارسال شده است! این ادعا واقعاً که خنده‌آور است. ریگان در زمانی این ادعا را مطرح می‌کند که همگان می‌دانند که هدف ریگان نه برقراری ارتباط با عناصر میانرو، بلکه برقراری رابطه با یکی از ضد کمونیست‌ترین و ارتجاعی‌ترین رژیمهای معاصر جهان و تقویت و تحکیم آن بوده است.

☆☆☆

به دنبال برملا شدن روابط پنهانی آمریکا با رژیم جمهوری اسلامی، برخی از سران مرتجع منطقه، همچون ملک حسین و حسنی مبارک، بلافاصله سیاست آمریکا را محکوم کردند. به نظر می‌رسد که این برخورد تنها در ظاهر و برای ابراز پشتیبانی با رژیم عراق صورت گرفته باشد. وگرنه این پادوهای امپریالیسم آمریکا به خوبی می‌دانند که هرچه آمریکا

به رژیم جمهوری اسلامی نزدیکتر شود، سران رژیم 'عاقل' تر خواهند شد و این به نفع همی آنان است.

در کشورهای عمده اروپا نیز اکثریت سران این کشورها ضمن تایید سیاست ریگان در مورد نزدیکی به رژیم ایران، از این چگونگی ابراز نارضایتی می‌کردند که دولت آمریکا رسماً از آنان خواسته بود که به ایران اسلحه نفروشند، ولی خود پنهانی به ایران اسلحه می‌فروخته است. اختلاف در این مورد بیشتر از زاویه رقابت اقتصادی مطرح بوده است. گرچه هم‌اکنون آشکار شده است که بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، فرانسه، آلمان، سوئد، سوئیس، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا در سطح محدودتری به ایران تسلیحات نظامی می‌فروخته‌اند.

دولت اتحاد شوروی تا مدت‌ها در این مورد سکوت اختیار کرد و سپس تنها 'ریاکاری' دولت ریگان را محکوم ساخت و در مورد رژیم جمهوری اسلامی سخنی به میان نیاورد. دولت شوروی البته نگران است که این ماجرا از محبوبیت و اعتبار ریگان در آمریکا بکاهد و در سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز گورباچف و مذاکره با ریگان خللی ایجاد شود. زیرا هم‌اکنون مدتهاست که به علت مسایل مربوط به روابط ایران و آمریکا و گرفتاری ریگان مسالعی مذاکرات صلح اهمیت خود را تا حدی از دست داده است و از صدر اخبار جهانی خارج شده است. ضمناً باید یادآوری شود که درست در همین دوره که رژیم جمهوری اسلامی به علت رابطی پنهانی با امپریالیسم آمریکا بیش از هر زمان دیگری مورد تنفر خلقهای ایران و سراسر جهان قرار گرفته است، دولت شوروی بزرگترین و مهمترین قرارداد اقتصادی خود را با آن منعقد ساخته است.

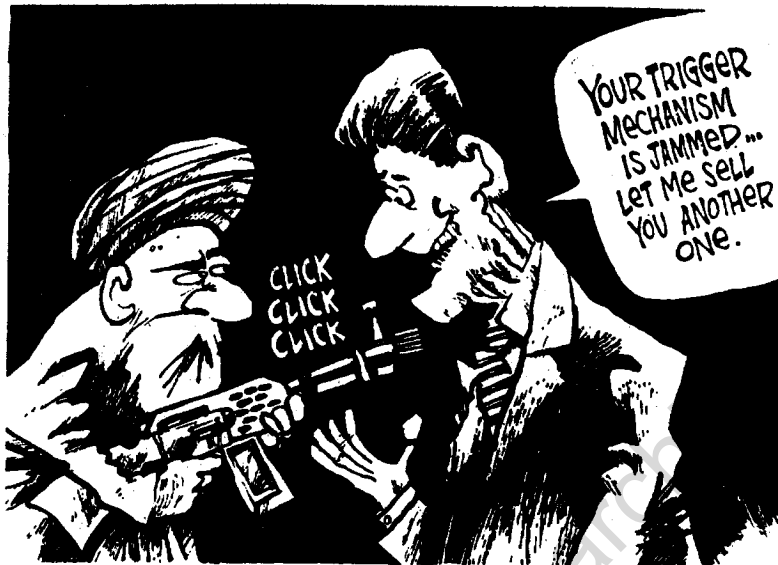
☆☆☆

بازتاب برملا شدن روابط پنهانی ایران و آمریکا در بین نیروهای ایوزیسیون ایران از ویژگیهای خاصی برخوردار

است. ما در اینجا به برخوردهای سلطنت طلبان، سازمان مجاهدین و طیف توده‌ای - اکثریتی اشاراتی می‌کنیم.

ماهیت حقیقی دار و دستهای مختلف سلطنت طلب در ماجرای برملا شدن روابط پنهانی ایران و آمریکا کاملاً روشن شد. در این ماجرا دقیقاً معلوم گردید که

رابطی آمریکا با رژیم حساسی بلبل، زبانی می‌کنند. دار و دستهای سلطنت طلب از اینکه می‌بینند که اربابشان دیگر به آنان توجهی ندارد، نگران شده‌اند و از آیندگی خود بیمناک‌اند. البته هنوز امیدوارند که ارباب به سر عقل بیاید. از این رو به دولت ریگان نصیحت می‌کنند که از



ریگان به خمینی: ماشعی مسلسل تو خرابه، بیا یکی دیگه بهت بفروشم

اینان (و به ویژه امینی و مدنی) از مزدگیران کهنه‌کار سازمان سیا اند و بابت مزدوری خود میلیونها دلار پول دریافت کرده‌اند. البته نقش اینان چیزی جز جاسوسی برای سرویس اطلاعاتی آمریکا نبوده است و چون ابزارهایی جهت ترساندن رژیم جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

از اسنادی که تاکنون در این مورد چاپ شده است کاملاً مشخص است که امپریالیسم آمریکا روی چیزی به نام آلترناتیو سلطنت طلبان به طور جدی حساب نمی‌کرده است و سیاست اصلی‌اش در ایران از مدتها پیش تقویت و تحکیم رژیم چنایتکار جمهوری اسلامی بوده است. نشریات سلطنت طلب در این مورد سکوت مرگ اختیار کرده‌اند و چیزی برای گفتن ندارند. مگر می‌شود مزدوری برای سازمان سیا را توجیه کرد. ولی در مورد

ادامی رابطی با رژیم دست بردارد. موضع سازمان مجاهدین نیز در این رابطه بسیار جالب است. اینان که مدت‌هاست با استخاله از یک سازمان خرده بورژوازی به یک جریان بورژوازی، مبارزه با امپریالیسم را به کنار گذاشته‌اند، در ماجرای برملا شدن روابط پنهانی امپریالیسم آمریکا با رژیم جمهوری اسلامی تنها رژیم را محکوم می‌کنند و به امپریالیسم آمریکا اصلاً کاری ندارند. آنان نه تنها از امپریالیسم آمریکا در این مورد اسمی نمی‌برند، بلکه هیچ سخنی در مورد هدفهای امپریالیسم از این اقدام به زبان نمی‌آورند. مجاهدین با این برخورد تلاش می‌کنند تا جای سلطنت طلبان را در نزد امپریالیسم آمریکا هرچه بیشتر پر کنند.

جریان ضد انقلابی توده‌ای - اکثریتی که برای سالهای متمادی از رژیم جمهوری

اسلامی چون رژیمی ضدامپریالیستی پشتیبانی کرده است و هر کسی را که کوچکترین مخالفتی با رژیم ابراز می‌داشته و یا در ضد امپریالیست بودن آن کوچکترین شکی می‌کرده است به عنوان 'سرباز امپریالیسم' به پاسداران لو می‌داد. اکنون که خود چون قفاله به دور انداخته شده است، تازه کشف کرده است که جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا رابطه دارد. جریان توده‌ای - اکثریتی بیش از خود سران رژیم جمهوری اسلامی در ضد امپریالیست قلمداد کردن رژیم دست داشته است. خلقهای ایران هرگز این خیانت بزرگ را فراموش نخواهند کرد.

☆☆☆

مسائلی روابط پنهانی رژیم با آمریکا، به تضادهای درونی جناحهای رژیم شدت بیشتری بخشیده است. همان طور که در شمارهای پیش جهان یادآور شدیم، چگونگی برملا شدن این روابط تنها از طریق شناخت تضادهای جناحهای رژیم قابل توضیح است. با اطلاعات بیشتری که در این زمینه هم اکنون وجود دارد، توضیح مساله آسانتر شده است.

هم اکنون دیگر هیچ شکی وجود ندارد که معمار اصلی تجدید روابط با آمریکا هاشمی رفسنجانی بوده است. او به همراهی جناح قدرتمندی از رژیم و با تأیید خمینی به طور پنهانی از مک فارلین برای سفر به ایران دعوت کرد. جناح دیگری از رژیم به رهبری مهدی هاشمی و برخی جریانهای دانشجویی (از جمله دفتر تحکیم وحدت) صرفاً برای تضعیف جناح رفسنجانی این رابطه را افشا ساخت. روزنامه‌ی رسالت ۵ آذر (۲۶ نوامبر) می‌نویسد:

از یکی دو ماه پیش، خبری دست به دست در محافل و مجامع عمومی و خصوصی و دولتی... پیچید که: فردی به نام مک فارلین به ایران سفر کرده و ضمن مذاکره با مقامات ایرانی، پیرامون چگونگی حذف صدام و حکومت آینده عراق تبادل نظر بعمل آورده

است.

در روزنامه‌ی کیهان ۶۵/۸/۸ - دو بهانه از سوی دفتر تحکیم وحدت چاپ می‌شود که نکات مهمی دارد. در این بیانیه‌ها آمده است:

اتخاذ شیوه‌های سازشکارانه و امید بستن به مذاکره با هیاتهای مختلف سیاسی فرانسوی، آلمانی، آمریکائی و دل بستن به حکمیت‌های بین‌المللی خواست امپریالیسم است... در وزارت خارجه... بر سر برخورد با آمریکا اختلاف است و دو جناح حاکم است. یک جناح خواستار مبارزه با آمریکا... جناح دیگر برقراری ارتباط با آمریکا را مطرح می‌کند.

...برخورد‌های سازشکارانه و مذاکرات مشکوکی با هیاتهای فرانسوی، انگلیسی و آمریکائی صورت می‌گیرد... مساله بدهیهای فرانسه به ایران پس از چند سال حل می‌شود... وزیر نفت عربستان کنار گذاشته می‌شود... عده‌ای از گروگانهای آمریکایی در لبنان آزاد می‌شوند.

...باید مواضع دست اندرکاران نظام در مقابل دولتهائی مانند فرانسه، انگلیس و آلمان غربی به عنوان بخشی از امپریالیسم غرب مشخص شود... بایستی با مذاکرات سیاسی توطئه‌آمیز مقابله شود و هیچ چیز نباید از چشم ملت دور باشد. (به نقل از روزنامه‌ی رسالت ۵ و ۹ آذر).

لازم به یادآوری است که این بیانیه‌ها چند روز پیش از افشای سفر مک فارلین به تهران توسط مجله‌ی انشراح و تأیید رفسنجانی در روز ۱۳ آبان منتشر شدند. به سخن دیگر پیش از آن که رفسنجانی به این مساله اقرار کند، همه می‌دانستند که روابط ایران و آمریکا به طور پنهانی بهبود یافته است و رفسنجانی معمار این بهبود روابط

است. زیرا هم اکنون معلوم شده است که در روز ۱۳ آبان در مراسم سالگرد اشغال سفارت آمریکا که در جلوی مجلس برگزار می‌شد یکی از دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت که پیش از رفسنجانی سخنرانی کرد، در پایان سخنرانی خود رسماً از او خواست موضع‌اش را در مورد رابطه با آمریکا بیان دارد. در روزنامه‌ی رسالت ۵ آذر آمده است:

یکی از همین افراد صریحاً قبل از سخنان رئیس مجلس در مقابل مجلس شورای اسلامی اعلام می‌کند که از شما (رئیس مجلس) می‌خواهیم موضع صریح خود را در رابطه با آمریکا و ایادی آن برای مردم اعلام نمائید.

تنها پس از این افشاگریهای جناح مخالف بوده است که هاشمی رفسنجانی ناگزیر می‌شود انجام سفر مک فارلین به تهران را اقرار کند که چگونگی آن را در جهان شمارهای پیش توضیح دادیم. روزنامه‌ی رسالت ۱ آذر در سرمقاله‌ی خود در همین مورد می‌نویسد:

مسئولین ما وقتی با این گونه تبلیغات مسموم مواجه شدند، افشاگرانه ماجرا را برای مردم مطرح نمود و با آنها در میان گذاشتند.

☆☆☆

ماجرای رابطی پنهانی ایران و آمریکا تضادهای جناحی را که پیرامون روزنامه‌ی رسالت جمع شده است و جناح رفسنجانی را شدت بیشتری بخشیده است. پس از این که خمینی ۸ نماینده‌ی را که در مورد این ماجرا از وزیر خارجه سؤال کرده بودند، مورد حمله قرار داد، جناح مقابل از این فرصت استفاده کرد و کل جناح به اصطلاح رسالت را به باد انتقاد گرفت. قواد کریمی نمایندگی اهواز در نطق قبل از دستور خود در ۴ آذر گفت:

موضوع فقط یک سؤال و چند نفر سؤال کننده که اشتباهی کرده باشند در میان نیست. موضوع خط و جریانی است که در مقابل خط ولایت فقیه

سران رژیم سیلهای اخیر را رحمت الهی می نامند

زحمتکش در گردن نهادن به این تاوانهای سنگین و رشد اعتراضات آنها، سعی می کنند با مزخرفات ارتجاعی خود همه را به 'صبر' و تحمل زندگی سراسر 'رحمت' دعوت کنند.

خامنه‌ای طی سخنرانی‌ای در همین رابطه در حالی که سعی می‌کند از عمق فاجعه بکاهد، اعتراف می‌کند که حاکمیت جمهوری اسلامی حاکمیت فقر و فلاکت است. او می‌گوید: 'مردم ما هم که یک وقتی یک زلزله یک سیل در یک نقطه‌ای در روستایی آنها را کاملاً ناراحت و غمگین می‌کرد، امروز با حوادثی که در طول چند ساله آنها را آبدیده کرده و در مقابل رویدادهای زندگی به آنها حالت مصونیت و مقاومت بخشیده دیگر به این مسایل به این حوادث به آن اهمیتی که در گذشته نگاه می‌کردند نگاه نمی‌کنند.' جنتی مرتجع در اثبات اینکه 'خدا رحمان و نسبت به بندگان رثوف است'، برای زحمتکشانی که مزی تلخ و کشنده‌ی رافت خدایی برایشان دیگر غیر قابل تحمل شده است سخن می‌گوید. او خطاب به توده‌ها می‌گوید: 'زمانی که شروع گناه و فساد همه گیر شد و کم کم نسلها در معرض تهدید قرار می‌گیرند دست رحمت خدایی می‌آید... زلزله،

در بسیاری از نقاط میزان خسارات مالی وارده ۹۰ تا صد درصد بوده است. در استان بوشهر میزان خسارات وارده ۵۰ میلیارد ریال و تعداد کشته شدگان ۸۰ نفر اعلام شده است. در خوزستان تعداد تلفات جانی ۲۳ تن بوده است. در استان فارس میزان خسارات در بخش کشاورزی ۵۱ میلیارد ریال، و خسارات وارده به مناطق مسکونی ۳۶۳۹۰ میلیون ریال برآورد شده است. تنها در رابطه با آموزش و پرورش شهر ممسنی انهدام بیش از ۹۰ باب مدرسه از نتایج 'رحمت' بوده است. البته مزدوران رژیم تا کنون به منظور سرپوش گذاشتن بر عمق نکبت این 'رحمت' آمار دقیقی از تلفات و خسارات اعلام نکرده‌اند و تنها با پسندیدن به لزوم کمک به 'رحمت' زدگان از سوی توده‌های زحمتکش دیگر مناطق سعی می‌کنند از این رهگذر نیز به نفع جبهه‌های جنگ ارتجاعی اخاذی کنند. بر این اساس است که سران رژیم در وحشت از امتناع توده‌های

در شرایط استمرار 'رحمت'های بیشمار حکومتگران اسلامی، یعنی، فقر، گرسنگی، آوارگی، کشتار و ویرانی، این بار با جاری شدن سیل در استانهای جنوبی، جنوب غربی، یزد، کهگیلویه و بویر احمد 'رحمت' الهی شامل حال توده‌های زحمتکش این منطقه می‌شود. به دنبال جاری شدن سیلهای اخیر که سران رژیم آنرا 'رحمت' الهی می‌خوانند، توده‌های زحمتکش این منطقه متحمل خسارات مالی و جانی فراوانی شده‌اند. آنچه مسلم است بیشتر قربانیان این 'رحمت' را توده‌های زحمتکش شهر و روستا تشکیل می‌دهند. چرا که بیشترین اثرات این 'رحمت' شامل آن مناطقی بوده که به دلیل فقرشان فاقد هرگونه امکانات حفاظتی در مقابله با سیل بوده‌اند. همچنین آن خانیهایی می‌توانست در معرض کامل 'رحمت' قرار گیرد که به سادگی بر سر ساکنین خود آوار شده و یا ساکنین خود را آواره کند، و اینها به جز خانه‌های توده‌های زحمتکش نمی‌تواند باشد. بر اساس گزارشات خبرگزاری رژیم



سیل، اخیر در ایران، هزاران نفر از زحمتکشان میهن‌مان را آواره کرده است

صاعقه و گرفتاریهای گوناگون مردم را تنبیه می‌کند... بنابراین مجازاتها معمولاً چه آنهایی که به صورت قانون اجرا می‌شود (بخوان شکنجه و اعدام در رژیم جمهوری اسلامی) و چه آنهایی که در تکوین و خلقت دستگاه قدرت خدا و کیهانهای الهی بر مردم عذاب می‌بارد همه لطفی و عنایتی به مردم است.

اما در این رابطه فلسفی مزدوری که دیگر مزدوران را در جنایت پیشگی و شارلاتانیسم عقب می‌راند خطاب به تودهای زحمتکش می‌گوید که باید صبر و بردباری داشته باشند. چرا که نمایندگان زمینی خدای 'رحمان' در شرایط استمرار 'رحمت' زمینی خدا یعنی جنگ قادر به پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های تودهای زحمتکش 'رحمان' و 'رافت' زده نیستند. این مزدور می‌گوید: 'اما برای مردم سیل زده امتحان صبر و بردباری است تا به اجر و پاداش الهی نایل شوند، اگر صبر کنند اجر و پاداش زیاد دارند و اگر جزم و بی‌تابی نمایند اجر و مزد خود را از دست داده‌اند و علاوه بر ضایع شدن اجرشان، مصیبت خویش را سنگین‌تر می‌کنند.'



گوشه‌ای از نتایج 'رحمت' اخیر الهی در جمهوری اسلامی

شوروی روابط اقتصادی خود را با ایران گسترش می‌دهد

افشا شده است، سعی کرد از این نشست حداکثر استفاده تبلیغاتی را ببرد. موسوی در بخشی از نقش اظهار داشت: 'مواضع ضدامپریالیستی و همسایگی دو کشور، زمینه توسعه روابط را مساعد می‌سازد و خامنه‌ای مرتجع نیز وقیحانه از 'نقاط مشترک موجود' بین دو کشور سخن گفت.

شرکت در چنین اجلاسی، در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی در بحران اقتصادی لاینحلی مذبحخانه دست و پا می‌زند و در تب و تاب رهایی از جریان رسوایی روابط سری‌اش با آمریکا است، نه تنها افتخار نقض انترناسیونالیسم پرولتری را نصیب حکومت شوروی می‌سازد، بلکه رهبران شوروی با این گونه اعمال موجبات تضعیف موضع پرولتاریای ایران، و به عبارت دیگر انقلاب جهانی را فراهم می‌آورند. □

بعد از شش سال وقفه در کار 'کمسیون دائمی همکاری‌های اقتصادی' بین رژیم جمهوری اسلامی و دولت شوروی مجدداً با ورود 'کاتوشف'، رئیس کمیته دولتی روابط اقتصاد خارجی شوروی، به ایران در ۱۷ آذر ماه، کمسیون مزبور کار خود را در تهران آغاز کرد. طی این اجلاس طرفین به یکسری توافقات در زمینه‌های حمل و نقل، بازرگانی، تأسیسات آب و برق، تبادل کارشناس و دانش فنی و همکاری در زمینه نفت و گاز دست یافتند. کاتوشف 'اهمیت این مذاکرات' برای رهبران شوروی و چشم‌انداز 'تعمیق روابط' دو کشور بر پایهی این کمسیون را مورد تأکید قرار داد. موسوی نخست وزیر ارتجاع نیز، در شرایطی که با فاش شدن روابط سری ایران با امپریالیسم آمریکا وجهی به اصطلاح 'ضدامپریالیستی' رژیم

دو نمونه جدید از سفاقت اسلامی ارائه شد

نمونه اول شیوهی جدیدی از به اصطلاح مبارزه با امپریالیسم، یا به عبارت درست‌تر، با آمریکاست. این نمونه انعکاس تلاشهای مزدوران برای توجیه رسوایی اخیرشان در رابطه با سفر مک فارلین است، که توسط سفیه عالقدر قائم مقام رهبری ارائه می‌شود. منتظری که دایرةالمعارف نبوغات جمهوری اسلامی است، در این عرصه نیز نبوغ خود را نشان می‌دهد، و ابداع جدیدش را سرتیتر نشریات رژیم می‌سازد. منتظری در اجتماع دانشجویان در ۲۷ آذر می‌گوید: 'کاش آمریکا کشف نشده بود تا امروز دنیا را به آتش بکشاند.'

سفاقت دوم توسط امام جمعی شیراز حائری مزدور ارائه می‌شود. این

نمونه به منظور گسیل هر چه بیشتر تودهای زحمتکش به کام شعلهای مرگ جنگ ارتجاعی کاربرد دارد. حائری می‌گوید: 'ما مسلمانان منتظر ظهور امام زمان (عج) می‌باشیم و این آقا بیش از هزار سال است از نظر ما غایب بوده است او در میان مردم و زنده است، می‌خورد، می‌آشامد و حرکت می‌کند و ما که منتظر ظهور او می‌باشیم چه می‌توانیم برای او قربانی کنیم؟ آیا می‌توان همان گوسفندی را که برای دیگران قربانی می‌کنیم برای او نیز قربانی کنیم؟ و چنین است که امت مسلمان ما به عنوان هدیه‌ای برای ظهور حضرت، این مقدار شهید تقدیم می‌نماید.'

□

اخاذی از ده‌داران منبع جدید درآمد برای رژیم است

در شرایطی که بیکاری طی چند سال اخیر ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است، و در یک سال گذشته با گسترش اخراجات دسته جمعی و تعطیلی واحدهای تولیدی همچنان بر ابعاد بیکاری افزوده می‌شود، ده‌دار و بساط فروشی به صورت منبعی برای امرار معاش توده‌های زحمتکش نیز گسترش یافته است. از این رو رژیم جهت تامین نیروی انسانی جنگ ارتجاعی به سرکوب بیش از پیش ده‌داران و بساط فروشان پرداخته است، تا به این ترتیب بتواند این بخش از توده‌های زحمتکش را در جستجوی درآمد ناچیزی در اختیار ماشین جنگی خود قرار دهد. محمد ملایری سرپرست ستاد پیگیری و رفع سد معبر شهرداری تهران به تهدید ده‌داران و بساط فروشان که به اصطلاح 'موجب انسداد معابر و بستن راه خلق خدا می‌شوند' می‌پردازد و از آنها می‌خواهد که 'از این کسب و کار که موجب خشم پروردگار و نارضایتی پندگاران خدا می‌شود دست بردارند.' او همچنین



در این مصاحبه تعداد موارد رفع سد معبر توسط نیروهای انتظامی را در طی ۶ ماه اول سال جاری ۲۰ هزار، و میزان اخاذی دادرسی عمومی رژیم از این توده‌های زحمتکش را در طی همین مدت ۵۳ میلیون ریال اعلام می‌کند. □

دولت ایتالیا یک جوان ایرانی را به

قتلگاه فرستاد

پس از ده روز کشمکش بین تهران و رم بالاخره دولت ایتالیا تصمیم به استرداد یک جوان ایرانی که با پنهان شدن در یک کشتی به ایتالیا آمده بود، گرفت.

جوان ایرانی، به نام امیر، که در کشتی 'ایران جهاد' پنهان شده بود، بعد از ورود این کشتی به بندر جنوا در ایتالیا تقاضای پناهندگی سیاسی می‌کند. به دنبال این امر نمایندگان سازمان ملل و صلیب سرخ جهانی به کشتی مزبور می‌روند و با او مصاحبه‌ای به عمل می‌آورند. این مقامات پس از مصاحبه با امیر اعلام می‌کنند که رسیدگی به امر پناهندگی او بعد از خروجش از کشتی آغاز خواهد شد.

متعاقب این امر دو تن از کارمندان سفارت رژیم در ایتالیا به کشتی ایران جهاد می‌روند و به ناخدا کشتی دستور می‌دهند که از خروج این فرد به هر نحوی جلوگیری کند.

کارگران بندر جنوا که از مساله باخبر شده بودند دست به اعتصاب زده و اعلام می‌دارند که از خروج این کشتی از بندر جلوگیری به عمل خواهند آورد. همزمان با این امر رژیم جمهوری اسلامی ۶ تن از اتباع ایتالیا را که در حال خروج از ایران بودند بدون هیچگونه دلیلی توقیف کرده و آنان را در فرودگاه مهرآباد به گروگان می‌گیرد. وزارت امور خارجه رژیم به سفیر ایتالیا اطلاع می‌دهد که با خروج کشتی ایرانی از بندر جنوا گروگانهای ایتالیایی در تهران آزاد خواهند شد. پس از چند روز مذاکره بین نمایندگان دو دولت، کراکسی نخست وزیر ایتالیا جلوگیری از حرکت کشتی



به راستی که این تصویر نشانه‌ای بارز از ماهیت ضدبشری و جنایتکارانه جمهوری اسلامی است. رژیم ارتجاعی و جنگ طلب جمهوری اسلامی برای تداوم حیات ننگین خود، محروم ترین کودکان و نوجوانان را با توسل به خدعه و زور از پشت میز دبستانها و دبیرستانها بیرون می‌کشد و روانی میدانهای جنگ ارتجاعی ایران - عراق می‌کند، تا با قربانی کردن آنان در مسلخ این جنگ ارتجاعی و هرچه شعله‌ورتر نگه داشتن آتش آن منافع بورژوازی و امپریالیسم را هر چه بیشتر تامین کند.

رژیم از پذیرفتن نمایندگان سازمان حقوق بشر خودداری کرد

می‌گوید: 'چه معنایی دارد که یک سازمان ما را محکوم و متهم به نقض حقوق بشر کند و بعد ادعا کند که نمایندگی ما باید از زندانیان شما بازدید نماید. اگر آنان قبل از این محکومیت، چند نماینده منصف و آگاه به مسایل قضایی اسلامی می‌فرستادند، ما از آنها استقبال می‌کردیم'. البته منظور لاریجانی از 'نمایندگی منصف و آگاه به مسایل قضایی اسلامی' افرادی همچون سران رژیم مثل لاجوردی، گیلانی، خلغالی و امثالهم که قانون ارتجاعی قصاص را قبول داشته باشند، است.

قابل توضیح است مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۶ با شرکت نمایندگان ۱۲۳ کشور جمهوری اسلامی را محکوم به نقض حقوق انسانی کرد. در این رای گیری ۵۳ کشور رای به محکومیت رژیم دادند و ۲۷ کشور به این قطعنامه رای منفی دادند. در میان کشورهایی که رای منفی دادند اسم کشورهایی چون کوبا، یمن جنوبی، اتیوپی، غنا، نیکاراگوئه، رومانی و آنگولا به چشم می‌خورد. گویا از نظر قوای این کشورها رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به اندازه کافی از انقلابین ایران، کشتار نکرده است که قابل محکوم کردن باشد!! رهبران این کشورها با اتخاذ چنین سیاستی در مورد جمهوری اسلامی، چیزی جز زنگ ابدی برای خود به ارمغان نبروه‌اند آورد. این سیاستها از سوی نیروهای انقلابی ایران شدیداً محکوم است.

رژیم جمهوری اسلامی سالهاست با اعمال جنایات بیشمار خود در صدر رژیمهای جنایت پیشه قرار گرفته است، تا جایی که حتی هم مسلکان رژیم نیز در این رابطه وی را مورد بی مبری قرار می‌دهند. سران رژیم می‌ندارند با عدم پذیرش نمایندگان 'سازمان حقوق بشر' و توجیهات مضحکشان در این رابطه می‌توانند چهره جنایتکار و غیرانسانی رژیم را از دید افکار عمومی جهان پنهان سازند.

لاریجانی، معاون امور بین‌المللی و امور اقتصادی وزارت خارجه رژیم، در کنفرانس مطبوعاتی خود در رابطه با عدم قبول نمایندگان 'حقوق بشر' جهت بازدید از زندانیان و وضع اسرا در ایران



نفت مجانی بر اساس همان پروتکل سال ۱۳۶۱ در رابطه با نفتی هم که به سوریه می‌فروشد همواره حداقل ۲ دلار در هر بشکه از بهای رایج نفت برای این کشور تخفیف قایل می‌شود.

سال ۶۵ به تصویب می‌رسد. به این ترتیب از سال ۱۳۶۱ این چهارمین محموله یک میلیون تنی نفت خام اهدایی رژیم به رژیم ارتجاعی حافظ اسد است. البته قابل توجه است که رژیم علاوه بر این یک میلیون تن

ایرانی را غیرقانونی اعلام می‌دارد و از مقامات گمرک این کشور می‌خواهد تا شرایط حرکت کشتی را فراهم آورند.

'ایران جهاد' سپس جنوا را به قصد بندر لیورنو LIVORNO ترک می‌کند. با ورود این کشتی به لیورنو کارگران این بندر نیز دست به اعتصاب می‌زنند و اعلام می‌کنند که تا آزادی جوان ایرانی از بارگیری کشتی خودداری خواهند کرد.

در نتیجه این امر مقامات رژیم به ناخدا کشتی دستور می‌دهند که بدون بارگیری فوراً ایتالیا را به مقصد ایران ترک کند.

بدین ترتیب رژیم تروریست جمهوری اسلامی با کمال وقاحت علناً دست به گروگان گیری زده و طعمهای خود را با دولت کراکسی مورد معامله قرار می‌دهد.

هم اکنون جان این جوان ایرانی در معرض خطر جدی قرار دارد. □

رژیم يك ميليون تن نفت ديگر

به سوریه اهدا کرد

رژیم جمهوری اسلامی همچنان جهت برون آمدن از انزوای سیاسی به حاتم بخشی از کیسه توده‌های زحمتکش ادامه می‌دهد. برای جلب هر نوع حمایت بی ارزشی از سیاستهای ارتجاعی رژیم و نه کار سیاستهای رژیم بلکه فقط یک جنبه کوچک و بی اهمیت آن، و در بسیاری موارد نه تنها یک حمایت جزئی بلکه فقط ترتیب دادن یک دیدار رسمی همراه با کمی تشریفات و یا یک مصاحبه کوچک کافی است، تا در کیسه گشاد شود. بر این اساس است که 'به دلیل دفاع سوریه از مواضع جمهوری اسلامی' در جلسه مورخ ۱۲ آذر مجلس ارتجاع مادی واحدای مبنی بر اجازت صدور یک میلیون تن نفت خام مجانی به سوریه در

اعتصابات کارگری دولت شیراک را در تنگنا قرار داده است

نیکاراگوئه

خلبان مزدور سیارا آزاد کرد

همزمان با بر ملا شدن روابط مخفیانه دولت آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی و همچنین با فاش شدن ارسال اسلحه به نیکاراگوئه از سود قرارداد آمریکا با ایران، چند تن از سناتورهای حزب دموکرات آمریکا خواستار تحویل یوچین هسنفوس به مقامات آمریکایی برای روشن شدن جزئیات طرح ارسال اسلحه به نیروهای کنترا شدند. هسنفوس، مزدور آمریکایی است که در ماه قبل به جرم حمل اسلحه برای ضدانقلابیون نیکاراگوئه از سوی دادگاه خلق این کشور به ۳۰ سال زندان محکوم شده بود. 'کریستوفر داد'، یکی از سناتورهای آمریکا شخصا به ماناگو پایتخت نیکاراگوئه سفر کرد و با دانیل اورتگا رئیس جمهور این کشور وارد مذاکره شد. چندی بعد دانیل اورتگا عفو مزدور سیارا را از مجمع ملی نیکاراگوئه خواستار شد. و پس از چندین ساعت بحث درخواست رئیس جمهوری با ۷۰ رای موافق در مقابل ۴ رای مخالف به تصویب رسید.

در روز هفتم دسامبر مقامات دولتی نیکاراگوئه با برگزاری یک مصاحبه مطبوعاتی شخص مذکور را تحویل سناتور آمریکایی دادند و خواستار 'عادی شدن' روابط بین دو دولت آمریکا و نیکاراگوئه شدند.

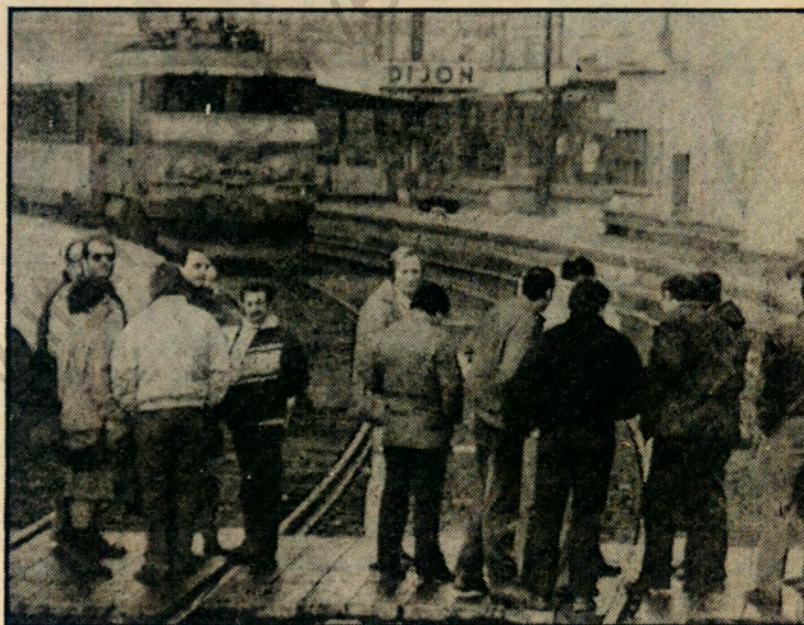
چندی پیش یکی دیگر از مزدوران سیارا به نام 'سام هال'، در حین جاسوسی برای این سازمان در نیکاراگوئه دستگیر شد و قرار است که در ماه آینده در 'دادگاه خلق نیکاراگوئه' محاکمه شود.

همچنین در ماه گذشته نیروهای ارتش ساندنیست طی یک عملیات نظامی وسیع نیروهای ضدانقلاب کنترا را مجبور به عقب نشینی از مواضع خود در منطقه

کارگران فرانسه در شرایط حاضر است. در این میان اعتصاب کارگران راه آهن موقعیت ویژه ای دارد. استواری و مبارزه جدی کارگران راه آهن، به این حرکت گسترده اعتراضی کارگران اعتبار خاصی بخشیده است. با توجه به اهمیت این اعتصاب و گسترده بودن حرکتی کارگری در فرانسه، می توان گفت که پیروزی اعتصاب کارگران راه آهن تاثیر قابل ملاحظه ای بر مبارزات آینده کارگران فرانسه خواهد گذاشت. از این روست که شیراک هرگونه انعطافی در مورد اعتصاب کارگران راه آهن را شدیداً

اعتصاب قدرتمند کارگران راه آهن فرانسه دولت محافظه کار شیراک را در تنگنای عجیبی قرار داده است. این اعتصاب که در مخالفت با سیاستهای اقتصادی دولت در رابطه با کارگران راه آهن از اواسط ماه دسامبر آغاز شده بود، در تداوم رو به گسترش خود زمینه مناسبی را نیز برای درگیر کردن کارگران دیگر واحدهای صنعتی علیه سیاستهای ضد کارگری دولت فرانسه فراهم کرده است.

در شرایط کنونی، گسترهی اعتصابها



کارگران راه آهن فرانسه از حرکت قطارها جلوگیری می کنند

رد کرده است. در هر حال اگر سیاست ضد کارگری دولت فرانسه همچون سیاست بی فرجامش در مقابل دانشجویان با شکست رو به رو شود، ثبات دولت شیراک به طور جدی به خطر خواهد افتاد. □

آنچنان است که دولت فرانسه را با یک بحران اجتماعی رو به رو کرده است. اعتصاب کارگران گاز و برق، مترو پاریس، کارگران بارانداز و کارگران پست، از جمله حرکتی گوناگون اعتراضی

رژیم شیلی در مقابل اعتصاب زندانیان سیاسی عقب نشینی می‌کند

۴- تحویل ۱۴ نفر زندانی به نمایندگان دولت آلمان غربی که آنان را به عنوان پناهنده پذیرفته است.

در همین رابطه امپریالیسم آمریکا که در ماه مارس گذشته مخالفت ظاهری خود را در قبال نقض حقوق بشر از جانب رژیم پینوشه رسماً اعلام کرده بود، بار دیگر حمایت همه جانبه خود را از رژیم سرسپردی حاکم در شیلی به نمایش گذاشت. در اوایل ماه دسامبر،

در روز اول دسامبر ۸۶، ۱۴ تن از زندانیان سیاسی شیلی در اعتراض به حکم دادگاه نظامی این کشور که اعدام سه تن از همپندان آنان را صادر کرده بود، اعتصاب غذای نامحدودی را آغاز کردند. این ۱۴ تن که در ارتباط با 'سوء قصد به جان فرماندهی نظامی پایتخت' دستگیر شده‌اند، طی مدت زندانی خود و حین محاکمه از کلیه مشورتهای قضایی و همچنین وکیل مدافع بی بهره بوده‌اند.

به دنبال آغاز این اعتصاب غذا بیش از ۴۰۰ تن از زندانیان سیاسی در ۴۶ زندان شیلی و همچنین ۵۰ نفر از خانواده‌های آنان در خارج از زندانها با اعلام همبستگی با مبارزان در بند، به اعتصاب غذای آنان پیوستند و افکار عمومی بین‌المللی را متوجه جنایات رژیم پینوشه کردند.

دولت پینوشه که در چند ماه اخیر برای مشروع جلوه دادن خود و جلب حمایت دولتهای امپریالیستی تلاش فراوانی را آغاز کرده است، پس از گذشت ۱۲ روز از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی حکم اعدام سه نفر فوق را بنا به 'دلایل تکنیکی' عجلتاً به تعویق انداخت و حاضر به محاکمه مجدد آنان شد.

پس از این عقب نشینی، زندانیان سیاسی به اعتصاب غذای خود خاتمه داده و طی یک قطعنامه اعلام کردند که تنها با محاکمه خود در دادگاههای عادی قضایی موافقت خواهند کرد. آنان در این قطعنامه خواستهای زیر را اعلام کردند:

- ۱- شناسایی مبارزان در بند به عنوان زندانی سیاسی از جانب دولت پینوشه،
- ۲- خاتمه دادن به اعدام،
- ۳- آزادی کلیه زندانیان سیاسی در شیلی،

نوار مرزی با هندوراس کردند. بنا به گفتی سخنگوی ارتش نیکاراگوئه ضدانقلابیون در چند هفته اخیر تلفات زیادی را متحمل شدند. طی این مدت بسیاری از نیروهای نظامی کنترال کمپهای نظامی را ترک کردند و بخش کثیری از آنان به ارتش نیکاراگوئه پیوسته‌اند، به طوری که نیروی مستقر آنان در خاک هندوراس از ۹۰۰۰ نفر در اوایل تابستان سال گذشته به ۶۰۰۰ نفر تقلیل یافته است. □

سانسور اخبار جنبش

در آفریقای جنوبی

اعمال سانسور شدید بر رسانه‌های خبری در آفریقای جنوبی، از جمله اقدامهای تازه‌ای است که رژیم نژادپرست این کشور، در ماه گذشته جهت محدود نشان دادن اعتراضات تودمها برگزیده است. بنابر قوانین جدید، انتشار اخبار باید تحت نظر سازمان اطلاعات این کشور صورت گیرد و هر نوع تخطی در این مورد، خبرنگاران را با حداقل ۱۰ سال زندان روبرو می‌سازد.

این حرکت از طرف رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در حالی صورت می‌گیرد که مبارزات و حرکت اعتراضی تودمها در شهرهای بزرگ این کشور همچنان ادامه دارد.

از زمان اعلام 'حالت فوق‌العاده' (در ماه ژوئن) تاکنون بیش از ۲۰ هزار نفر از تودمهای زحمتکش آفریقای جنوبی توسط پلیس فاشیست این کشور دستگیر شده‌اند و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار دارند.

تحریم مدارس توسط دانش آموزان در مناطق سووتو، الکساندرا و ایسترن کپ همچنان ادامه دارد. در بعضی مناطق دانش آموزان مستقلاً اقدام به برپایی کلاسهای کرده‌اند که خود آن را اداره



Gen. Augusto Pinochet.

در یکی از جلسات سالیانه سازمان ملل، نماینده دولت آمریکا 'ژنرال ورنون والترز' به محکوم کردن دولت پینوشه در ارتباط با نقض حقوق بشر رای مخالف داد. □

می‌کنند. اغلب این دانش آموزان در سال گذشته کمتر از یک ماه سر کلاس درس حاضر بوده‌اند.

معدنچیان این کشور با پیگیری و مبارزات پی در پی خود موفق شدند، صاحبان معادن را مجبور به قبول افزایش دستمزدها و پرداخت غرامت در اثر سانحه‌ی کاری کنند. علی‌رغم سانسور شدید حاکم در این کشور، اخبار رسیده حاکی از تداوم و اوج‌گیری مبارزات توده‌ها است. □

اعتراضات دانشجویی در اروپا افزایش می‌یابد

به دنبال اعتصاب موفقیت آمیز و رامپیمی‌های باشکوه دانشجویان در فرانسه، حرکت‌های اعتراضی دانشجویی با الهام از این تجربه‌ی موفق، برخی از کشورهای اروپایی را فرا گرفت.

در اسپانیا دانش آموزان دبیرستان‌های اکثر شهرهای بزرگ این کشور دست به اعتصاب زدند. رامپیمی دانشجویان در این کشور در اعتراض به سیاست جدید دولت در مورد سخت‌گیری شرایط ورود به دانشگاه‌ها ترتیب داده شد. در مادرید بیش از ۳۰/۰۰۰ دانش آموز رامپیمی خود را به سوی وزارت آموزش و پرورش آغاز کردند که با مداخله‌ی پلیس ضد شورش این رامپیمی به درگیری وسیعی بین طرفین انجامید. در این رویارویی خونین پلیس برای متفرق کردن تظاهرکنندگان از سلاح‌های ضد شورش و گلوله‌های پلاستیکی استفاده کرد. همراه با بالا گرفتن اعتراضات دانش آموزان، دانشگاهیان دانشگاه‌ها و اتحادیه‌های کارگری اسپانیا حمایت خود را از آنان ابراز داشتند.

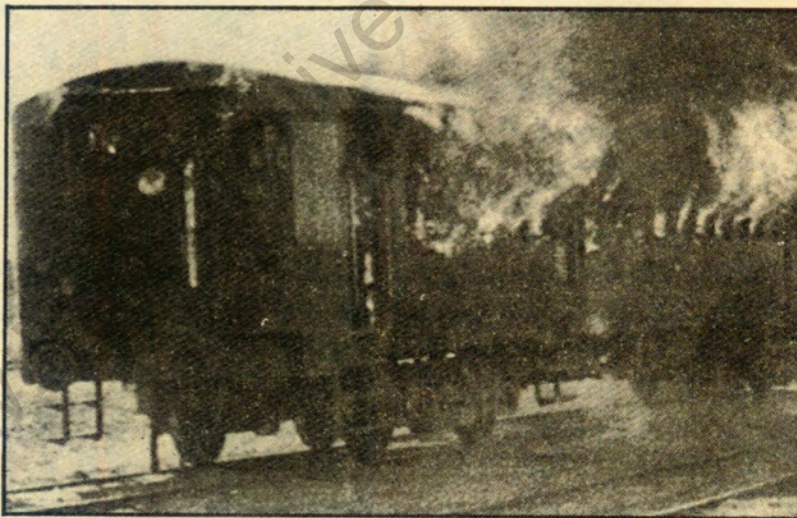
همچنین دانشجویان دانشگاه‌های بلژیک در اعتراض به تغییرات اخیر در سیستم آموزشی دانشگاه‌های این کشور، اعتصاب سراسری و گسترده‌ای را ترتیب دادند. □

در درگیری‌های قومی در پاکستان صدها تن کشته شدند

بی‌نظیر بوتو اعلام کرد که ضیاء الحق و دولتش به منظور حمل و فروش راحت مواد مخدر (هروئین) به کشورهای دیگر، مخصوصاً اینگونه آشوبها را به راه می‌اندازد تا نیروهای پلیس به جای تعقیب قاچاقچیان بیشتر درگیر اینگونه زدوخوردها شوند.

در حالیکه بحران اقتصادی موجود در پاکستان، باعث فقر و بیکاری میلیون‌ها تن از زحمتکشان است، ژنرال ضیاء و اکثر وزیران و دولتمندانش با درگیری در فروش مواد مخدر، خود عاملان اصلی فساد و فقر در پاکستان‌اند. □

طی چندین روز متوالی درگیری‌های خونین بین مهاجران اردو زبان بنگلادشی و پشتوها، در ماه گذشته بیش از ۲۰۰ نفر از طرفین کشته و هزاران نفر زخمی شدند. در زدوخوردهای مشابه ماه‌های اخیر نیز بیش از ده‌ها نفر کشته شدند و دامنه‌ی درگیری‌ها از شهر اورنگی (ORANGI) به دیگر مناطق، از جمله کراچی کشیده شد. گسترش درگیری‌ها به شهرهای دیگر و اعلام حکومت نظامی باعث شد که اپوزیسیون پاکستان، دولت ضیاء الحق را مسبب اصلی آغاز و ادامه‌ی این خشونت‌ها معرفی کند. در این رابطه



درگیری‌های قومی اخیر در پاکستان خسارات زیادی به بار آورد

تظاهرات گسترده در هامبورگ

این کشور نیز در آن شرکت داشتند و با شعارهای کوبنده سیاست‌های ارتجاعی دولت را محکوم می‌کردند، با یورش وحشیانه‌ی پلیس آلمان غربی روبرو شد، که منجر به زخمی شدن ۳۱ نفر از تظاهرکنندگان و ۹۳ پلیس شد. □

در اواخر ماه گذشته مردم شهر هامبورگ در اعتراض به تصمیم دولت آلمان غربی مبنی بر تخریب بسیاری از مناطق مسکونی، جهت احداث اتوبان جدید دست به یک تظاهرات بزرگ زدند.

این تظاهرات، که نیروهای مبارز